

بهمه سفید تر و در لذت هم خوب میباشد بنابراین آنرا قسم چلو طبخ نموده میخورند
 تخم این از هند آورده شده بود که سابق بیشتر و حال نسبتاً
 کمتر زرع می شود چرا که حاصلش به تناسب بک وسی و سه بوده چند ان
 زیاد نیست . /

تاریخ طب در مصر قدیم

پیوسته بگذشته ترجمه محترم عبداغفور خان مترجم

قسمت دوم پایروس طی برلین به ساله های اول و دوم مصری در حدود سه هزار
 سال قبل المیلاد تعلق میگردد.

قسمت اول و سوم آن به ساله نوزدهم (۱۲۷۵ ق. م) مربوط است . و عبارت
 از ۲۱ صفحه هیراتیك بوده (صفحات اول آن خراب شده است) و ۱۷۰ نسخه دارد.
 حصه دوم از او عبیه و حصه سوم از امراض انانیه بحث میکند .

۳ :- پایروس طی لندن : از سوختگی بحث کرده و به ساله هزدهم (در حدود
 ۱۵۰۰ ق. م) تعلق میگردد .

۴ :- پایروس طی دا کتر ایبرز : که یکی از مهمترین اوراق پایروس طی است ،
 متضمن ۱۱۰ صفحه بوده و تاریخ آن بسال ۱۵۵۰ ق. م میرسد . این پایروس
 در نزد بک « لو کسور » بشکل لوله ۲۱ متر طویل و ۸۰ سانتی متر عرض یافته شده
 و قرنهای بمقام تدب بزرزمین مدفون بود تا آنکه « دا کتر ایبرز » مجدداً آنرا
 بسال ۱۸۷۳ کشف کرد . الحال لفافه مذکور به ۲۹ ورق بریده و چوکات شده

در کتابخانه یونیورسیتی « لایب زک » محفوظ است. در اکثر ایبرز آن را ترجمه و تدوین کرده و پارچه های مزبور ذخیره معلومات طی زمان سلالة اول مصری محسوب میشود. پایپروس مذکور از علم تشخیص امراض (خصوصاً امراض معده) و امراض چشم، شکسته بندی، امراض انانیه، و گزیدن حشرات و مار بحث رانده و شامل قسمتی از علم تشریح بوده و به دستور العمل های جراحی خاتمه می یابد.

۵ - پایپروس کاهون: که از قریبه « کاهون » قریب مقام « فایوم » در مصر علیا بدست آمده و تاریخ ۲۰۰۰ سال قبل المیلاد را نشان میدهد. این پایپروس از علم بیطاری بحث میکند.

۶ - پایپروس هو رست: که نسخه کوچکی بوده شبیه پایپروس ایبرز است.

۷ - پایپروس وست کار: که از علم قابلگی بیان می نماید.

۸ - پایپروس لیدن: که کاملاً از سحر و اخراج ارواح خبیثه از بدن

بحث میراند.

بعلاوه در تحریرات قدیمه یونان و روم، از دیگر پایپروس ها نیز ذکری رفته و ما سیر و (۱) میگویند بعضی از نوشته جات « هسپیتی » و « سند » (اولی در عهد سلالة اول و دوم، و ثانوی در عصر سلالة چهارم مصری زندگانی داشت) که کنون مفقود الاثرند، در نزد ما کتابخانه « امپو تپ » پادشاه مصر در شهر منفیس بود.

رساله جامع علوم انسانی
علم طب در مصر قدیم :-

- ۱ - علم تشریح و علم وظائف اعضا: میگویند « آنوتیز » پسر « مینیز » پادشاه سلالة اول در ۴۰۰۰ سال قبل المیلاد، نخستین کتابی را جمع به علم تشریح انسانی نوشته. و « تیشوروسوس » پادشاه سلالة سوم، علم طب و علم تشریح را (۱) محقق فرانسوی را جمع بمصر قدیمه بوده و از ۱۸۴۶ - ۱۹۱۶ م حیات داشت، مترجم.

مطالعه کرده است. در آنوقت قلب را مقر روح و احساسات میدانستند. و افکار، عقاید آنها (راجع به روابط بین نخاع شوکی و اعضای عالیه و سافلّه، سلسله ابول درد گوش و چشم و غیره) از پایبروس ابد و بن سمیت بخوبی ملاحظه می شود و نیز از همین پایبروس، افکار آنها را در باب دماغ و غشاء مغز سر می توان فهمید.

در پایبروس طبیبی برلین، به نوشته جات قدیم تر طب مصری (که حالیه معدوم اند) و بعضی معلومات تشریحی راجع به نظام عریقه، اعضا و احشاء، نیز اشاره شده. در بن پایبروس نوشته است: «قلب مرکز است و عروق آن به کلیه اعضای بدن رسیده، و هر جا که طبیب انگشتان خود را بگذارد، اعم از پیشانی، پشت سر، دست ها، موضع معده، بازو و پاها، در همه جا با قلب (نبض) ملاقی می شود، زیرا عروق آن به تمام حصص بدن دویده است بنا بر آن مصر بهای قدیم، قلب، عروق، و روابط آنها و نیز ماهیت نبض را میدانستند.

جای دیگر نجر بر است: «سر دارای ۱۲ عروق است که نفس را از قلب گرفته به تمام نقاط بدن میرساند. و ۲ عروق در حصص یست آنها، دو عروق در ران، دو عروق در بازوها، دو عروق در پیشانی، دو عروق در گردن، و همچنین دو دو عروق در حلق، و اجفان و بینی میباشد، در گوش راست دو عروق است که از آن نفس مرک وارد میگردد. همچنین در مقاله دیگری نوشته شده: «نفس و روح از راه بینی داخل شده به قلب و شش ها رفته و قلب و شش ها آنها را به کلیه اجزای بطنی میرساند».

نخبررات مزبور معلوما تیرا راجع به علم تشریح و علم وظائف الاعضاء در عصری که کمان آن نمیرفت، ارائه میدهد.

مصری های قدیم، اموات را به مهارت تامی مومیائی میکردند. و اطباء آن زمان برای معاینات طبی، آن را تشریح می نمودند و روده ها و جگر و ششها

و معده را کشیده در ظروف مخصوصی می‌نهد و بعد ها جوف بطن را با روغن خرما شسته و در نیک مخصوص (شوره) مدت ۷۰ روز حفظ می‌گرداند و سپس بسته کرده به منسوبین آن برای دفن می‌سپردند. بدین ترتیب مصریه‌های قدیم از شکل و مواقع اعضاء داخلی بدن معرفت حاصل کردند.

علم علایم امراض و علم الامراض: مصریه‌های قدیم امراض را یا به ارواح خبیثه و اجنه (که تصور آن‌ها از راه بیانی پادهان یا گوش داخل بدن می‌شدند و یا به کدام عارضه مضر خیال آن‌ها از تأثیرات و نفوذ فوق‌العاده و غیرطبیعی منتج شده و ماده حیاتی را می‌خورد) نسبت میدادند. تسمم بدن را از اثر حملات دیوو پیری و تأثیر زمان و موسم و روزهای نحس گمان می‌کردند. گویا این دیوو پیری آن‌ها همین مکر و بهای امروزه بوده است. از مطالعه او را ق‌طبی یا پیروس‌ها معلوم میشود که تعداد امراض در آن وقت به ۲۵۰ رسیده و از آن جمله ۱۵ مرض متعلق به بطن (۱۱) مثانه (۱۰) به روده مستقیم و مقعد - (۳۰) به چشم - (۱۶) به گوش - و (۱۸) به جلد بوده. از این بیان امراض معلوم میشود که مصریه‌های قدیم دارای روح اصلی عامی بوده و امراض را معاینه و تشخیص کرده میتوانستند. اطباء مصر قدیم. مریض را اولاً معاینه و بعد با دست لمس می‌کردند و حتی برپای معاینه سوزن را به سینت مریض نهاده و آوازه‌های داخلی بدن را استعمال و مورد تدقیق و تفتیش قرار میدادند.

مشا را لیهم در رشته‌های علمی حقیقی کار کرده از مشاهده علمی مریض شروع نموده علایم مرض را مورد مطالعه و تطبیق قرار داده، به تشخیص و تداوی می‌پرداختند و حتی عواقب مرض را پیش‌گویی می‌کردند: چنانکه ازین عبارت «یا پیروس ابر زمبرهن می‌گردد:» وقتی شما شخصی را که قبض است معاینه میکنید، مشا را لیه از بنکه موقع خوردن احساس سیری و پیری میکنند، شکایت خواهد کرد - شکم می‌پنجد - قلبش آهسته میزند - و مثل شخصی

که به التهاب روده مستقیم مبتلا است راه میرود - بنا بران مریض تان را کاملاً دراز بیندازید و معاینه کنید - اگر دیدید که پوست بدنش خیلی گرم و شکمش سخت است، بگوئید که در جگرش احتلال ریبی نظمی روداده. بعد با یک دواى نباتی مخفی را که طبیب نسخه آنرا نوشته است تیار کرده با و بدهید. این دوا قبضیتش را خواهد شکست (مغز خسته خبر ما را در آب آ میخسته و برای دفع قبض، چهار روز متواتر بوقت صبح بدهید) - بمجرد بکه قبضیت رفع شد، او را معاینه کنید - اگر دیدید که طرف راست بدنش بسیار گرم و طرف چپ سرد است، با و بگوئید از این مرض شفاخواهید یافت، اینک بی نظمی برطرف می شود - اگر موقع معاینه ثانی به بینید که بدنش سرد تر شده، بگوئید جگرش مجدداً یک را افتاده و حالا پاک شده است. و اثر خود را بخشیده.

از این کتیبه می بینیم که اولاً معاینه دقیقى بعمل آورده بعد به تشخیص می پردازد و ختمند. و این دو اصل، اساس علم معالجه امراض بذریعۀ عقل و منطق است. جای دیگرى را جمع به آماس کردن می گوید:-

«اگر شخصی را دید بد که گردنش پندیده و بیلچه های شانه و سرش دردی کند و گردنش سخت بوده، نمیتواند یا تین بطرف شکم به بیند، بگوئید به التهاب و آماس عنقی گرفتار است» - اینک معاینه چلی امصرمی، علم تشخیص امراض را با اساس علایم و اعراض مرض نهاده است. و ارجع به التهاب شدید معده تحریر است:-
 «اگر کسی را دید بد که از قبض شکایت کرده، رنگ زرد و پر بده، قلب تپان، معده داغ، و شکم پندیده دارد، بدانید که این عارضه التهابی است که در نتیجه خوردن طعام بسیار داغ حادث شده است. اینچنین معاینه کار قلب، جگر، مشاهده چهره، و رابطه شکایت با غذا، معاینه حقیقی و صحیح امروزه است. باقی دارد.